



تقريب در برابر تکفير / با نگاهی به ابزارهای رسانه‌ای تکفير

تقريب یک منظومه است که مشخصاً تقريب ايدئولوژیک یک بخش آن است و بی‌شک تقريب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز در این راستا می‌تواند آن بخش مشهور را یاری رساند.

تقريب یک منظومه است که مشخصاً تقريب ايدئولوژیک یک بخش آن است و بی‌شک تقريب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز در این راستا می‌تواند آن بخش مشهور را یاری رساند.

به گزارش خبرگزاری مهر، تقريب یک منظومه است که مشخصاً تقريب ايدئولوژیک یک بخش آن است و بی‌شک تقريب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز در این راستا می‌تواند آن بخش مشهور را یاری رساند. همه اعضای جامعه که نقشی در حوزه اجتماع دارند، می‌توانند در این راستا عهده‌دار مسئولیت باشند؛ یک فعال اقتصادی، یک سیاستمدار، یک فعال فرهنگی و هنری و مانند آن‌ها، همگان می‌توانند همراهان اصلی اندیشه تقريب باشند. اگر تعبیر «کونوا دعاة الناس بغير السنتکم» را دقت کنیم به این نتیجه می‌رسیم که اتفاقاً ترویج اندیشه و ايدئولوژی تقريب که وابسته به محمل فکر و زبان است، در گرو ترویج عمل تقريب در ساختار فرهنگ، اقتصاد و سیاست است. این سه بخش حوزه عملی (فرهنگ، اقتصاد و سیاست) است که برای اثرگذاری بر گرایش‌های مخاطبین ضروری می‌باشد و در ادامه فرصت اثرگذاری بر حوزه اندیشه و ايدئولوژی را فراهم می‌کند چرا که اصطلاحاً حوزه گرایشی مخاطب برای پذیرش حقیقت تقريب آماده شده است.

زمانی دو کلمه «مجازی» (virtualis) و «فضیلت‌مند» (virtuous) خیلی سخت از یکدیگر تفکیک می‌شدند، دلیل آن نیز به پیشینه‌ای در قرون کلاسیک بازمی‌گشت که ذات قدرت را در مافوق طبیعت می‌دانست؛ وجودی ماورائی و الهی، خیر و فضیلت را می‌بخشد اما در معنای جدید، مفهوم «مجازی» نوعی بی‌طرفی ارزشی به خود گرفت و تکنیک و فن را برای توضیح خود برگزید، اما امروز در حیطه گسترده‌ای، شاهد آن هستیم که این دو کلمه در مصادیق دوباره به هم نزدیک شده‌اند و جنگی بر سر گزاره‌های ارزشی از مدعیان فضیلتی شکل گرفته است که یکدیگر را به نقض خیر متهم می‌کنند؛ یک‌طرف، لیبرالیسم و شاخه‌هایش و یک‌طرف نیز اسلام و قرائت‌هایش.

هم‌اوردی این دو قابل پیش‌بینی است اما نکته غیرقابل چشم‌پوشی، هیولای فرانکشتاین دست ساخته غرب است که به زور، نماینده جهان اسلام معرفی شده و امروز پاشنه آشیل دنیای اسلام می‌باشد؛ هیولایی به اسم اسلام‌گرایی که از تکه‌های اندیشه‌های تحجر در جهان اسلام، قوت گرفته است. افراط‌گرایی اسلامی، هرچند به دست مهندسين دیوانه و جاه‌طلب و مستکبر غربی ساخته شد اما از تکه‌های مردگان همین سرزمین قوام‌یافته است، قطعاتی از نیروهای انسانی که از خاستگاه‌هایی فکری برخاستند و سید حسن نصرالله در سخنرانی ایام محرمش خواست که شناسایی شده و با آن‌ها مقابله بشود. رهبر معظم انقلاب نیز در سخنان خود در جمع شرکت‌کنندگان در «کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» بر حرکت علمی علما برای مقابله با اندیشه‌های مصل و منحرف رهبران آن‌ها تأکید کردند.

ابزارهای مجازی تکفیری‌ها

اما قبل از بیان راهکارهای دفع ضروری این وصله نجسب به جهان اسلام تحت عنوان جعلی «اسلام جهادی»، باید چگونگی به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ای مجازی این گروه و نوع برخورد غربی‌ها با آن‌ها را به‌اجمال بررسی کرد. نمونه‌ای خوب از به‌کارگیری ابزار رسانه‌ای برای بسط پیشروی‌ها و موفقیت‌های ساحت نظامی، همراه با ترساندن دشمن را می‌توان در فیلم Triumph des Willens دید؛ فیلمی که نازی‌ها در 1935 تولید کردند تا بدون بمباران و به‌کارگیری اسلحه، تنها به‌عنوان یک سلاح روانی برای از بین بردن اراده مقاومت نیروهای دشمن استفاده کنند.

این فیلم، ترسی را برای «فرانک کاپرا» هالیوودی در 1941 به ارمغان آورده بود که چگونه می‌تواند با آن مقابله کند؟! راه‌حل کاپرا، برگرداندن سلاح روانی نازی‌ها علیه خود آن‌ها بود، کاپرا هفت فیلم ساخت تا با تکه‌هایی از فیلم‌های پروپاگاندای نازی‌ها، با همان ریتم نشان دهد که چرا باید با نازی‌ها مقابله کرد!

او می‌خواست نشان دهد که چطور فیلم‌های نازی‌ها، نظم غریب آن‌ها، وجهه استکباری هیتلر، خنده‌های مستانه سربازان و آلمانی‌های «های‌های» کشان برای هیتلر، ابزار ضروری جنگ با آن‌ها می‌شود و چطور سربازان آمریکایی باید عظمت جنگ خود را با نازی‌ها درک کنند. امروز نیز همین راه‌حل آمریکایی در قبال اسلام‌گرایان دنبال می‌شود، غربی‌ها می‌خواهند از قطعات محصولات رسانه‌ای افراط‌گرایان مسلمان، نه‌تنها برای سرکوب آن‌ها که برای به کنار راندن اسلام استفاده کنند.

البته نمی‌توان نادیده گرفت که غرب در این راه خیلی هم موفق نبوده است، اگر غربی‌ها از تکه‌های فیلم‌های افراط‌گرایان، مشروعیت حضور خود در منطقه را به دست می‌آوردند، قبل از آن‌ها این افراط‌گرایان بوده‌اند که با ابزار رسانه‌ای غربی‌ها، توانایی به راه انداختن جنگ روانی علیه آن‌ها را از یک‌طرف و مجاهدین مدافع عراق و سوریه را از طرف دیگر به دست آوردند.

گروه اخیر افراط‌گرایان تکفیری که به شدیدترین اقدامات غیرانسانی دست می‌زنند، به‌طور مکرر در یوتیوب، توئیتر، اینستاگرام و تامبیر (مثلاً برچسب #catsofijihad در اینترنت و کمپین‌های متعدد هشتگ در شبکه‌های مجازی)، فیلم‌ها و تصاویر گسترده آماتوری که روزانه از جانب اعضا و هواداران منتشر می‌شود را توزیع می‌کنند.

این محصولات به سرعت در گستره جهانی منتشر می‌شود چراکه خیلی از نهادهای خبری، تشنه اخباری هستند که خودشان نمی‌توانند به طور مستقیم به آن‌ها دست یابند و خبر تهیه کنند؛ تروریست‌های تکفیری با این توانایی رسانه‌ای، در مناطق درگیری بیشترین فشار روانی و ترس و اضطراب را به نیروهای مقابل خود وارد می‌کنند و مردم منطقه درگیری را نیز به انفعال می‌کشانند.

از طرف دیگر داعش به عنوان قوی‌ترین نیروی افراط‌گرایی منطقه در حوزه رسانه نشان داده تلاشی گسترده برای رقابت با کانال‌های خبری غربی و فیلم‌های هالیوود دارد، نمونه آن را می‌توان در «مرکز رسانه‌ای الحیات» دید؛ مجموعه‌ای که با هدف مخاطبین جوان غیر عرب به راه افتاده است و در این مسیر ضمن کنترل روایت از جنگ و خارج کردن آن از تبلیغات یک‌طرفه غربی‌ها، خواست خود را در اثرگذاری بر ذهن و قلب مخاطب خود دنبال می‌کنند.

کیفیت محصولات این مرکز به استانداردهای رسانه‌های معروف نزدیک است، برنامه‌هایی عمدتاً با سه زبان آلمانی، انگلیسی و فرانسوی در ساختارهای مختلف، از تئوئیت‌های متعدد و متنوع تا فیلم‌های بلند، محصولات صوتی و حتی مجله اینترنتی انگلیسی‌زبان «دابق» را تولید می‌کنند.

بنابراین صحنه عرض اندام افراط‌گرایان در دنیای مجازی بدین شکل است که نمی‌توان آن را بی‌تأثیر دانست، به تعبیر رهبری این مسئله توانست شور و حماسه‌ی جوانان مسلمان را در سراسر دنیای اسلام منحرف کند و تعدادی از این جوانان بی‌خبر و جاهل را به سمت سربریدن مسلمان و قتل عام زن و بچه و کودک بکشاند!

بایسته‌های استفاده از فضای مجازی در تقریب مذاهب

اما راه تقابل با این افکار و سرمایه‌های اجتماعی دنباله آن چیست و فرصت‌های حضور مؤثر در فضای مجازی برای ما کدام است؟ ابتدا چند مقدمه ضروری همراه با سیاست‌های بایسته آن برای حضور مؤثر در فضای مجازی بیان می‌شود و در نوشتاری دیگر ابزارهای ممکن برای تحقق حضور مؤثر در فضای مجازی مطرح می‌گردد.

نقش مجموعه‌های مردم‌نهاد

اتاق‌های فکر و نهادهای مردم‌نهاد در کشورهای غربی غالباً به طور مستقیم به دولت وابسته نبوده و با نهادهای کلان ملی و غیردولتی یا شبه‌دولتی خود مثل شرکت‌های بزرگ اقتصادی و مجموعه‌های کلان فرهنگی در ارتباط‌اند، در این راستا حضور گسترده و توانمند مجموعه‌های بزرگ و توانمند داخلی که برخلاف نمونه‌های خارجی، انگیزه الهی داشته و رویکرد تقابل با افراط‌گری را نیز اتخاذ کرده‌اند و در عین حال توان لازم برای حمایت‌های گسترده از اتاق‌های فکر و نهادهای مدنی عرصه تقریب را دارند، می‌تواند کارگشا باشد.

ورود نهادهای حکومتی به عرصه تقریب، ممنوع!

بی‌شک آنچه به عنوان افراط‌گرایی تکفیری، دامنه اجتماعی خود را به رخ کشیده است، تنها از طریق نیروهای اجتماعی تقریب‌گرا امکان عقب نشاندن دارد، بر این اساس حضور مجموعه‌های مردم‌نهاد برای شکستن بردار عمل افراط‌گرایی ضرورت داشته و ورود محافل حکومتی به این عرصه، در قاطبه امور نه تنها مفید نیست، بلکه شائبه سوء انگیزه‌های سیاسی را به همراه خود دارد، ضمن آنکه تجربه چندین ساله این نهادها، نقشه ناکارآمدی آنها را در این عرصه تکمیل کرده است.

هوشیاری حوزه علمیه

نهادهای مذهبی در ایران و در رأس آن‌ها، حوزه علمیه باید از هرگونه تعلق شاخه‌های ارتباطاتی مجازی تفرقه‌انداز به بدنه خود مبرا باشد، هیچ چیز چون این دم خروس، قسم حضرت عباس وحدت‌گرایی را خنثی نمی‌کند! شبکه‌های تلویزیونی تفرقه‌انداز و محرک اقلیت‌گرایی، سایت‌های متعدد آلوده به پیام‌های اقلیت‌گرایانه، افراد مؤثر رسانه‌ای که به عنوان بازوان رسانه‌ای شیعه! مطرح شده‌اند و حضور جدال‌برانگیزشان، جز تحریک به افراط‌گرایی ثمر نداشته است باید کنار گذاشته شوند.

صدا و سیما و دوری از برداشت‌های محافظه‌کارانه

بزرگ‌ترین نهاد آموزشی در کشور و دانشگاه عمومی اثرگذاری چون صداوسیما و دیگر متکفلان حوزه تربیت عمومی و ترویج فرهنگ، نباید محمل برداشت‌های محافظه‌کارانه برای حفظ سنن تاریخی ارتباطات شیعه و سنی باشند که ثمر آن بی‌توجهی این دو جریان به حال یکدیگر باشد.

امروز، شیعه و سنی بیش از گذشته و بیش از هر زمان دیگر با یکدیگر در ارتباط بوده و نیازمند همیاری و همزیستی هستند. جهان اسلام، هویت متقابل قدرتمندی به اسم دنیای استکبار داشته که برای حفظ خود، باید متحد باشد، هر ایرانی (چه شیعه و چه سنی) می‌تواند و باید منادی توانمند وحدت در جهان باشد. رهبری معظم به تقابل با بینش تکفیر و رهبران آن اشاره کردند، بایسته تحقق آن این است که تقریب‌گرایان، بیشتر و پیشتر بینش تقریب‌گرایی را درک کنند و به آن دست یازند.

تشکیل جبهه جهانی مستضعفین به جای هلال شیعی

منازع جهان اسلام، دنیای استکبار است، پس باید هم‌نوايي (با حفظ سلسله‌مراتب آن) با همه غیر مستکبرین بسط یابد؛ این خواسته اصلی جمهوری اسلامی و رهبران آن بوده و رویکرد متداول و مشترک به شیعه‌سازی و مدل‌های خارجی آن چون هلال شیعی، رویکردی خلاف خواست انقلاب اسلامی است. کلیدواژه انقلاب اسلامی و حرکت حضرت امام، «تشکیل جبهه جهانی مستضعفین» بوده است.

تجلیل از قهرمانان تقریب و جهاد

مهیا نمودن شرایط برای تجلیل از قهرمانان «تقریب و جهاد» ضرورتی مهم است که بی‌توجهی به آن، زمینه را برای افراط و

تفریط آماده می‌کند. همچنان که اسلام تحجر و تجمد، اسلام ناب نیست، اسلام تساهل و تفریط نیز اسلام ناب محمدی نیست و یکی از علل موفقیت گروه‌های تکفیری، پررنگ نمودن هویت «حمیت دینی» است، هویتی که ردش تا پای جان کشانده شده و این حمیت، امروز گمشده خیلی از جوانان در سطح جهان است. تأکیدهای منفعلانه برخوانش تفریطی از اسلام ذیل عناوینی چون اسلام رحمانی، همچنان نمی‌تواند نیروی انسانی آماده تقابل با جریان استکبار را به سمت خود جذب کند.

اهل بیت(ع) محور وحدت

قطعه اهل بیت(ع)، خود پیش‌تازان تقریب بوده‌اند و نشان دادن این معنا بر همه مطلعان از این حقیقت فرض است؛ اهل بیت(ع) را در انحصار شیعه قرار دادن، ظلمی است نابخشودنی. فرصت حضور همگان را از هر مذهب و نژادی در دامن این پاکان الهی فراهم کنیم و این در حالی است که بزرگان از مذاهب و ادیان دیگر نیز برای شیعیان محترم هستند، بگذاریم رجوع به این پاکان الهی در هر مذهب و دینی، محمل تجمیع قوا و وحدت نفوس انسان‌ها در تقابل با جبهه شیاطین باشد.

تقریب با رفتار نه صرفاً ایدئولوژی

تقریب یک منظومه است که مشخصاً تقریب ایدئولوژیک یک بخش آن است و بی‌شک تقریب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز در این راستا می‌تواند آن بخش مشهور را یاری رساند. همه اعضای جامعه که نقشی در حوزه اجتماع دارند، می‌توانند در این راستا عهده‌دار مسئولیت باشند؛ یک فعال اقتصادی، یک سیاستمدار، یک فعال فرهنگی و هنری و مانند آن‌ها، همگان می‌توانند همراهان اصلی اندیشه تقریب باشند. اگر تعبیر «کونوا دعاة الناس بغير السنتکم» را دقت کنیم به این نتیجه می‌رسیم که اتفاقاً ترویج اندیشه و ایدئولوژی تقریب که وابسته به محمل فکر و زبان است، درگرو ترویج عمل تقریب در ساختار فرهنگ، اقتصاد و سیاست است. این سه بخش حوزه عملی (فرهنگ، اقتصاد و سیاست) است که برای اثرگذاری بر گرایش‌های مخاطبین ضروری می‌باشد و در ادامه فرصت اثرگذاری بر حوزه اندیشه و ایدئولوژی را فراهم می‌کند چرا که اصطلاحاً حوزه گرایشی مخاطب برای پذیرش حقیقت تقریب آماده شده است.*

*نویسنده احمد شریعتمداری